

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۷

آیه ۳۲ - ۳۴

آیه و ترجمه

يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ لَسْتَ مِنْ الْنِّسَاءِ اِنْ اَتَّقَيْتُنْ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي
فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۚ ۳۲
و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى و اقمن الصلوة و
ءاتین الزکوة و اءطعن الله و رسوله انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البيت
ویطهرکم تطهیرا ۳۳
و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن من ءایت الله و الحکمة ان الله کان لطیفاً خبیرا ۳۴
ترجمه :

۳۲ - ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر
تقوی پیشه کنید، بنابر این به گونه‌ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان
در شما طمع کنند و سخن شایسته بگوئید
۳۳ - و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم)
ظاهر نشوید،

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۸

و نماز را بر پا دارید و زکاة را ادا کنید، و خدا و رسولش را اطاعت نمائید خداوند
فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک
سازد.
۳۴ - و آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت دانش خوانده می‌شود
یاد کنید، خداوند لطیف و خبیر است.

تفسیر:

همسران پیامبر باید چنین باشند!

در آیات گذشته سخن از موقعیت و مسئولیت سنگین همسران پیامبر
(صلی الله علیه و آله و سلم) بود، در آیات مورد بحث این موضوع همچنان
ادامه می‌یابد و طی آیاتی هفت دستور مهم به همسران پیامبر (صلی الله علیه

وآله و سلم) می دهد.

نخست در مقدمه کوتاهی می فرماید: ای همسران پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) شما همچون یکی از زنان عادی نیستید اگر تقوا پیشه کنید (یانساء النبی لستن کاحد من النساء ان اتقین).

شما به خاطر انتسابتان به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از یک سو، و قرار گرفتنتان در کانون وحی و شنیدن آیات قرآن و تعلیمات اسلام از سوی دیگر دارای موقعیت خاصی هستید که می توانید سرمشقی برای همه زنان باشید، چه در مسیر تقوا و چه در مسیر گناه.

بنابر این موقعیت خود را درک کنید و مسئولیت سنگین خویش را به فراموشی نسپارید و بدانید که اگر تقوا پیشه کنید در پیشگاه خدا مقام بسیار ممتازی خواهید داشت.

و به دنبال این مقدمه که طرف را برای پذیرش مسئولیتها آماده می سازد و به آنها شخصیت می دهد نخستین دستور در زمینه عفت صادر می کند و مخصوصا به سراغ یک نکته باریک می رود تا مسائل دیگر در این رابطه خودبخود روشن

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۸۹

گردد، میفرماید بنابر این به گونهای هوسانگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند (فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض). بلکه به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و بطور معمولی سخن بگوئید، نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک کننده که گاه توام با ادا و اطوار مخصوصی است که افراد شهوت ران را به فکر گناه می افکند سخن بگوئید.

تعبیر به الذی فی قلبه مرض (کسی که در دل او بیماری است) تعبیر بسیار گویا و رسائی است از این حقیقت که غریزه جنسی در حد تعادل و مشروع عین سلامت است، اما هنگامی که از این حد بگذرد نوعی بیماری خواهد بود تا آنجا که گاه به سر حد جنون می رسد که از آن تعبیر به جنون جنسی می کنند و امروز دانشمندان انواع و اقسامی از این بیماری روانی را که بر اثر طغیان این غریزه و تن در دادن به انواع آلودگیهای جنسی و محیطهای کثیف به وجود می آید در کتب خود شرح داده اند.

در پایان آیه دومین دستور را به این گونه شرح می‌دهد: شما باید به صورت شایسته‌ای که مورد رضای خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و توأم با حق و عدالت باشد سخن بگوئید (و قلن قولا معروفا). در حقیقت جمله لا تخضعن بالقول اشاره به کیفیت سخن گفتن دارد و جمله قلن قولا معروفا اشاره به محتوای سخن. البته قول معروف (گفتار نیک و شایسته) معنی وسیعی دارد که علاوه بر آنچه گفته شد، هر گونه گفتار باطل و بی‌هوده و گناه‌آلود و مخالف حق را نفی می‌کند.

ضمناً جمله اخیر می‌تواند، توضیحی برای جمله نخست باشد، مبدا کسی تصور کنند که باید برخورد زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با مردان بیگانه مودبانه یا دور از ادب

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۹۰

باشد، بلکه باید برخورد شایسته و مؤدبانه و در عین حال بدون هیچگونه جنبه‌های تحریک آمیز داشته باشد. سپس سومین دستور را که آن در زمینه رعایت عفت است چنین بیان می‌کند: شما در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و وسائل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید (و قرن فی بیوتکن و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى). قرن از ماده وقار به معنی سنگینی است، و کنایه از قرار گرفتن در خانه‌هاست، بعضی نیز احتمال داده‌اند که از ماده قرار بوده باشد که از نظر نتیجه تفاوت چندانی با معنی اول نخواهد داشت. تبرج به معنی آشکار شدن در برابر مردم است، و از ماده برج گرفته شده که در برابر دیدگان همه ظاهر است.

اما اینکه منظور از جاهلیت اولی چیست؟ ظاهراً همان جاهلیتی است که مقارن عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده، و به طوری که در تواریخ آمده در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند، و دنباله روسریهای خود را به پشت سر می‌انداختند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره‌های آنها نمایان بود، و به این ترتیب قرآن همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را از این گونه اعمال باز می‌دارد.

بدون شک این یک حکم عام است، و تکیه آیات بر زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان تاکید بیشتر است، درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوئیم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومش این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۹۱

منظور این است که یک مرد عالم باید به صورت مؤکدتر و جدیتری از این کار پرهیز کند.

به هر حال این تعبیر نشان می دهد که جاهلیت دیگری همچون جاهلیت عرب در پیش است که ما امروز در عصر خود آثار این پیشگوئی قرآن در دنیای متمدن مادی را می بینیم، ولی مفسران پیشین نظر به اینکه چنین امری را پیش بینی نمی کردند، برای تفسیر این کلمه به زحمت افتاده بودند لذا جاهلیت اولی را به فاصله میان آدم و نوح، و یا فاصله میان عصر داود و سلیمان که زنان با پیراهنهای بدنما بیرون می آمدند، تفسیر کرده اند، تاجاهلیت قبل از اسلام را جاهلیت ثانیه بدانند!

ولی چنانکه گفتیم نیازی به این سخنان نیست، بلکه ظاهر این است جاهلیت اولی همان جاهلیت قبل از اسلام است که در جای دیگر قرآن نیز به آن اشاره شده است (سوره آل عمران آیه ۱۴۳ و سوره مائده آیه ۵۰ و سوره فتح آیه ۲۶) و جاهلیت ثانیه، جاهلیتی است که بعدا پیدا خواهد شد (همچون عصر ما) شرح بیشتر این موضوع را در بحث نکات خواهیم داد.

بالاخره دستور چهارم و پنجم و ششم را به این صورت بیان می فرماید: شما زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز را بر پا دارید، زکات را ادا کنید، و خدا و رسولش را اطاعت نمائید (و اقمن الصلوة و آتین الزکوة و اطعن الله و رسوله).

اگر در میان عبادات روی نماز و زکات، تکیه می کند به خاطر آنست که نماز مهم ترین راه ارتباط و پیوند با خالق است، و زکات هم در عین اینکه عبادت بزرگی است پیوند محکمی با خلق خدا محسوب می شود. و اما جمله اطعن الله و رسوله یک حکم کلی است که تمام برنامه های الهی را فرا می گیرد.

این دستورات سه گانه نیز نشان می‌دهد که احکام فوق مخصوص به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیست، بلکه برای همگان است هر چند در مورد آنان تاکید بیشتری دارد.

در پایان آیه می‌افزاید: خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت (علیهم السلام) دور کند و کاملاً شما را پاک سازد (انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً).

تعبیر به انما که معمولاً برای حصر است، دلیل بر این است که این موهبت ویژه خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

جمله یرید اشاره به اراده تکوینی پروردگار است، و گر نه اراده تشریعی، و به تعبیر دیگر لزوم پاک نگاهداشتن خویش، انحصاری به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ندارد، و همه مردم بدون استثناء به حکم شرع موظفند از هر گونه گناه و پلیدی پاک باشند.

ممکن است گفته شود اراده تکوینی موجب یکنوع جبر است، ولی با توجه به بحث‌هایی که در مساله معصوم بودن انبیاء و امامان داشته‌ایم پاسخ این سخن روشن می‌شود و در اینجا بطور خلاصه می‌توان گفت: معصومان دارای یکنوع شایستگی اکتسابی از طریق اعمال خویشند، و یکنوع لیاقت ذاتی و موهبتی از سوی پروردگار، تا بتوانند الگو و اسوه مردم بوده باشند.

به تعبیر دیگر معصومان به خاطر تاییدات الهی و اعمال پاک خویش، چنان هستند که در عین داشتن قدرت و اختیار برای گناه کردن به سراغ گناه نمی‌روند درست همانگونه که هیچ فرد عاقلی حاضر نیست، قطعه آتشی را بر دارد و به دهان خویش بگذارد با اینکه نه اجباری در این کار است و نه اکراهی، این حالتی است که از درون وجود خود انسان بر اثر آگاهیها و مبادی فطری و طبیعی می‌جوشد، بی آنکه جبر و اجباری در کار باشد.

واژه رجس به معنی شیء ناپاک است خواه ناپاک از نظر طبع آدمی باشد یا به حکم عقل یا شرع و یا همه اینها.

و اینک: در بعضی از کلمات رجس به معنی گناه یا شرک یا بخل و حسد و یا اعتقاد باطل و مانند آن تفسیر شده، در حقیقت بیان مصداق‌هایی از آن است، و

گرنه مفهوم این کلمه مفهومی عام و فراگیر است، و همه انواع پلیدیها را به حکم اینکه الف و لام در اینجا به اصطلاح الف و لام جنس است شامل می شود تطهیر به معنی پاک ساختن و در حقیقت تأکیدی است بر مساله اذهاب رجس و نفی پلیدیها، و ذکر آن به صورت مفعول مطلق در اینجا نیز تأکید دیگری بر این معنی محسوب می شود.

و اما تعبیر اهل البیت به اتفاق همه علمای اسلام و مفسران، اشاره به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است، و این چیزی است که از ظاهر خود آیه نیز فهمیده می شود، چرا که بیت گرچه به صورت مطلق در اینجا ذکر شد، اما به قرینه آیات قبل و بعد، منظور از آن، بیت و خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

اما اینکه مقصود از اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در اینجا چه اشخاصی می باشد؟ در میان مفسران گفتگو است بعضی آن را مخصوص همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دانسته اند، و آیات قبل و بعد را که در باره ازواج رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن می گوید،

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۹۴

قرینه این معنی شمرده اند.

ولی با توجه به یک مطلب، این عقیده نفی می شود و آن اینکه ضمیرهایی که در آیات قبل و بعد آمده عموماً به صورت ضمیر جمع مؤنث است، در حالی که ضمائر این قسمت از آیه (انما یرید الله لیزهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً) همه به صورت جمع مذکر است، و این نشان می دهد معنی دیگری در نظر بوده است.

لذا بعضی دیگر از مفسران از این مرحله گام فراتر نهاده و آیه را شامل همه خاندان پیامبر اعم از مردان و همسران او دانسته اند.

از سوی دیگر روایات بسیار زیادی که در منابع اهل سنت و شیعه وارد شده معنی دوم یعنی شمول همه خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را نیز نفی می کند و می گوید: مخاطب در آیه فوق منحصر ا پنج نفرند: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام).

با وجود این نصوص فراوان که قرینه روشنی بر تفسیر مفهوم آیه است

تنهاتفسیر قابل قبول برای این آیه همان معنی سوم یعنی اختصاص به خمسه طیبه است.

تنها سؤالی که در اینجا باقی می ماند این است که چگونه در لابلای بحث از وظایف زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مطلبی گفته شده است که شامل زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نمی شود.

پاسخ این سؤال را مفسر بزرگ مرحوم طبرسی در مجمع البیان چنین می گوید: این اولین بار نیست که در آیات قرآن به آیاتی برخورد می کنیم که در کنار هم قرار دارند و اما از موضوعات مختلفی سخن می گویند، قرآن پراست از این گونه بحثها، همچنین در کلام فصحای عرب و اشعار آنان نیز نمونه های فراوانی برای این موضوع موجود است.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۹۵

مفسر بزرگ نویسنده المیزان پاسخ دیگری بر آن افزوده که خلاصه اش چنین است: ما هیچ دلیلی در دست نداریم که جمله انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس... همراه این آیات نازل شده است، بلکه از روایات به خوبی استفاده می شود که این قسمت جداگانه نازل گردیده امام به هنگام جمع آوری آیات قرآن در عصر پیامبر یا بعد از آن در کنار این آیات قرار داده شده است.

پاسخ سومی که می توان از سؤال داد این است که قرآن می خواهد به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بگوید: شما در میان خانواده ای قرار دارید که گروهی از آنان معصومند، کسی که در زیر سایه درخت عصمت و در کانون معصومان قرار گرفته سزاوار است که بیش از دیگران مراقب خود باشد و فراموش نکنید که انتساب او به خانواده ای که پنج معصوم پاک در آن است مسئولیتهای سنگینی برای او ایجاد می کند، و خدا و خلق خدا انتظارات فراوانی از او دارند.

در بحث نکات به خواست خدا از روایات اهل سنت و شیعه که در تفسیر این آیه وارد شده است مشروحا سخن خواهیم گفت.

در آخرین آیه مورد بحث، هفتمین و آخرین وظیفه همسران پیامبر بیان شده است، و هشدار است که همه آنان برای استفاده کردن از بهترین فرصتی که در اختیار آنان برای آگاهی بر حقایق اسلام قرار گرفته، می فرماید: آنچه را در خانه های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می شود، یاد کنید و

خود را در پرتو آن بسازید که بهترین فرصت را در اختیار دارید (و اذکرن مایتلی فی بیوتکن من آیات الله و الحکمة).

شما در خاستگاه وحی قرار گرفته‌اید و در مرکز و کانون نور قرآن، حتی اگر در خانه نشسته‌اید می‌توانید از آیاتی که در فضای خانه شما از زبان مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) طنینافکن است به طور شایسته از تعلیمات اسلام و سخنان

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۹۶

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بهره‌مند شوید که هر نفسش درسی است و هر سخنش برنامه‌ای!

در اینکه میان آیات الله و حکمت چه فرقی است؟ بعضی از مفسران گفته‌اند، هر دو اشاره به قرآن است منتهی تعبیر به آیات جنبه اعجاز آن را بیان می‌کند و تعبیر به حکمت محتوای عمیق و دانشی را که در آن نهفته است باز می‌گوید. بعضی دیگر گفته‌اند: آیات الله اشاره به آیات قرآن است و حکمت اشاره به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اندرزهای حکیمانه او.

گرچه هر دو تفسیر، مناسب مقام و الفاظ آیه است، اما تفسیر اول نزدیکتر به نظر می‌رسد، چرا که تعبیر به تلاوت با آیات الهی مناسبتر است، بعلاوه در آیات متعددی از قرآن، تعبیر نزول در مورد آیات و حکمت، هر دو آمده است، مانند آیه ۲۳۱ بقره و ما انزل علیکم من الکتاب و الحکمة شبیه همین تعبیر در آیه ۱۱۳ سوره نساء نیز آمده است.

سرانجام در پایان آیه می‌فرماید: خداوند لطیف و خبیر است (ان الله کان لطیفاً خبیراً).

اشاره به اینکه او از دقیقترین و باریکترین مسائل با خبر و آگاه است، و نیات شما را به خوبی می‌داند، و از اسرار درون سینه‌های شما با خبر است. این در صورتی است که لطیف را به معنی کسی که از دقایق آگاه است تفسیر کنیم، و اگر به معنی صاحب لطف تفسیر شود اشاره به این است که خداوند هم نسبت به شما همسران پیامبر، لطف و رحمت دارد، و هم از اعمالتان خبیر و آگاه است.

این احتمال نیز وجود دارد که تکیه بر عنوان لطیف به خاطر اعجاز آیات قرآن و تکیه بر خبیر به خاطر محتوای حکمت آمیز آن باشد، در عین حال این معانی

هم با هم منافات ندارند و قابل جمعند.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۹۷

نکته‌ها:

۱- آیه تطهیر، برهان روشن عصمت است

بعضی از مفسران رجس را در آیه فوق، تنها اشاره به شرک و یا گناهان کبیره زشت همچون زنا دانسته‌اند، در حالی که هیچ دلیلی بر این محدودیت در دست نیست، بلکه اطلاق الرجس (با توجه به اینکه الف و لام آن الف و لام جنس است) هر گونه پلیدی و گناه را شامل می‌شود، چرا که گناهان همه رجسند، و لذا این کلمه در قرآن به شرک، مشروبات الکلی قمار نفاق گوشت‌های حرام و ناپاک و مانند آن اطلاق شده است (حج - ۳۰ - مائده - ۹۰ - توبه - ۱۲۵ - انعام - ۱۴۵).

و با توجه به اینکه اراده الهی تخلف ناپذیر است، و جمله انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس دلیل بر اراده حتمی او می‌باشد، مخصوصاً با توجه به کلمه انما که برای حصر و تاکید است روشن می‌شود که اراده قطعی خداوند بر این قرار گرفته که اهل بیت از هر گونه رجس و پلیدی و گناه پاک‌باشند، و این همان مقام عصمت است.

این نکته نیز قابل توجه است که منظور از اراده الهی در این آیه دستورات واحکام او در مورد حلال و حرام نیست، چرا که این دستورات شامل همگان می‌شود و اختصاص به اهل بیت ندارد بنابر این با مفهوم کلمه انما سازگار نمی‌باشد.

پس این اراده مستمر اشاره به یک نوع امداد الهی است که اهل بیت را بر عصمت و ادامه آن یاری می‌دهد و در عین حال منافات با آزادی اراده و اختیار ندارد (چنانکه قبلاً شرح دادیم).

در حقیقت مفهوم آیه همان چیزی است که در زیارت جامعه نیز آمده است عصمکم الله من الذل و آمنکم من الفتن، و طهرکم من الدنس،

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۹۸

و اذهب عنکم الرجس، و طهرکم تطهیراً:

خداوند شما را از لغزشها حفظ کرد و از فتنه انحرافات در امان داشت، و از آلودگیها پاک ساخت و پلیدی را از شما دور کرد، و کاملاً تطهیر نمود. با این توضیح در دلالت آیه فوق بر مقام عصمت اهل بیت نباید تردید کرد.

۲- آیه تطهیر درباره چه کسانی است؟

گفتیم این آیه گرچه در لابلای آیات مربوط به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده اما تغییر سیاق آن (تبدیل ضمیرهای جمع مؤنث به جمع مذکر) دلیل بر این است که این آیه محتوایی جدای از آن آیات دارد. به همین دلیل حتی کسانی که آیه را مخصوص به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) ندانسته اند معنی وسیعی برای آن قائل شده اند که هم این بزرگواران را شامل می شود و هم همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را.

ولی روایات فراوانی در دست داریم که نشان می دهد آیه مخصوص این بزرگواران است، و همسران در این معنی داخل نیستند هر چند از احترام متناسب برخوردارند. اینک بخشی از آن روایات را ذیلاً از نظر می گذرانیم:

الف: روایاتی که از خود همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده و می گوید: هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن از این آیه شریفه می گفت، ما از او سؤال کردیم که جزء آن هستیم فرمود: شما خوبید اما مشمول این آیه نیستید!

از آن جمله روایتی است که ثعلبی در تفسیر خود از ام سلمه نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در خانه خود بود که فاطمه (علیها السلام) پارچه حریری نزد آن حضرت آورد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: همسر و دو فرزندانت حسن و حسین را صدا

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۲۹۹

کن، آنها را آورد، سپس غذا خوردند بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبائی بر آنها افکند و گفت: اللهم هؤلاء اهل بیتی و عترتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً: خداوند اینها خاندان منند، پلیدی را از آنها دور کن، و از هر آلودگی پاکشان گردان و در اینجا آیه انما یرید الله نازل شد... من گفتم آیا من هم با شما هستم ای رسول خدا!!، فرمود: انک الی خیر تو بر خیر

و نیکی هستی (اما در زمره این گروه نیستی).
و نیز ثعلبی خود از عایشه چنین نقل می‌کند: هنگامی که از او در باره جنگ جمل و دخالت او در آن جنگ ویرانگر سؤال کردند (با تأسف) گفت:
این یک تقدیر الهی بود! و هنگامی که درباره علی (علیه السلام) از او سؤال کردند چنین گفت: تسئلنی عن احب الناس کان الی رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و زوج احب الناس، کان الی رسول الله لقد رأیت علیاً و فاطمة و حسناً و حسیناً علیهم السلام و جمع رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بثوب علیهم ثم قال: اللهم هؤلاء اهل بیتی و حامتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً، قالت: فقلت یا رسول الله! انا من اهلک قال تنحی فانک الی خیر! آیا از من در باره کسی سؤال میکنی که محبوبترین مردم نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود و از کسی میپرسی که همسر محبوبترین مردم نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، من با چشم خود، علی و فاطمه و حسن و حسین را دیدم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را در زیر لباسی جمع کرده بود و فرمود: خداوند! اینها خاندان منند و حامیان من، رجس را از آنها ببر و از آلودگیها پاکشان فرما، من عرض کردم ای رسول خدا آیا من هم از آنها هستم؟ فرمود: دور باش، تو بر خیر و نیکی هستی (اما جزء این جمع نمی‌باشی).

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۰۰

این گونه روایات با صراحت می‌گویند که همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جزء عنوان اهل بیت در این آیه نیستند.
ب: روایات بسیار فراوانی در مورد حدیث کساء به طور اجمال وارد شده که از همه آنها استفاده می‌شود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، علی و فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند - و یا به خدمت او آمدند - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبائی بر آنها افکند، و گفت: خداوند! اینها خاندان منند، رجس و آلودگی را از آنها دور کن، در این هنگام آیه انما یرید الله لیزهبنکم الرجس نازل گردید.
دانشمند معروف حاکم حسانی نیشابوری در شواهد التنزیل این روایات را به طرق متعدد از راویان مختلفی گردآوری کرده است.
در اینجا این سؤال جلب توجه می‌کند که هدف از جمع کردن آنها در زیر کساء

چه بوده؟

گویا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خواسته است کاملاً آنها را مشخص کند و بگوید آیه فوق، تنها درباره این گروه است، مبادا کسی مخاطب را در این آیه تمام بیوتات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و همه کسانی که جزء خاندان او هستند بداند.

حتی در بعضی از روایات آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سه بار این جمله را تکرار کرد: خداوندا اهل بیت من اینها هستند پلیدی را از آنها دور کن (اللهم هؤلاء اهل بیتی و خاصتی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیراً).

ج: در روایات فراوان دیگری می خوانیم: بعد از نزول آیه فوق، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مدت شش ماه، هنگامی که برای نماز صبح از کنار خانه فاطمه (سلام الله علیها)

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۰۱

می گذشت صدا می زد: الصلوة یا اهل البيت! انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البيت و یطهرکم تطهیراً: هنگام نماز است ای اهل بیت! خداوند می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک سازد. این حدیث را حاکم حسکانی از انس بن مالک نقل کرده است. در روایت دیگری که از ابو سعید خدری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده می خوانیم: پیامبر این برنامه را تا هشت یا نه ماه ادامه داد! حدیث فوق را ابن عباس نیز از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده است.

این نکته قابل توجه است که تکرار این مساله در مدت شش یا هشت یا نه ماه به طور مداوم در کنار خانه فاطمه (علیها السلام) برای این است که مطلب را کاملاً مشخص کند تا در آینده تردیدی برای هیچکس باقی نماند که این آیه تنها در شان این گروه نازل شده است به خصوص اینکه تنها خانه ای که در ورودی آن در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) باز می شد، بعد از آنکه دستور داد درهای خانه های دیگران به سوی مسجد بسته شود در خانه فاطمه بود و طبعاً همیشه جمعی از مردم به هنگام نماز این سخن را در آنجا از پیامبر می شنیدند (دقت کنید).

با اینحال جای تعجب است که بعضی از مفسران اصرار دارند که آیه مفهوم عامی دارد و همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در آن وارد هستند، هر چند اکثریت علمای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت آن را محدود به این پنج تن می دانند.

قابل توجه اینک عایشه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که طبق گواهی روایات اسلامی در بازگو کردن فضائل خود و ریزه کاریهای ارتباطش با پیامبر چیزی فروگذار نمی کرد اگر این آیه شامل او می شد قطعاً در لابلای سخنانش

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۰۲

به مناسبت‌هایی از آن سخن می گفت در حالی که هرگز چنین چیزی از او نقل نشده است.

د: روایات متعددی از ابو سعید خدری صحابی معروف نقل شده که باصراحت گواهی می دهد این آیه تنها در باره همان پنج تن نازل شده است (نزلت فی خمسة: فی رسول الله و علی و فاطمه و الحسن و الحسين (علیهم السلام). این روایات به قدری زیاد است که بعضی از محققین آن را متواتر می دانند. از مجموع آنچه گفتیم چنین نتیجه می گیریم که منابع و راویان احادیثی که دلالت بر انحصار آیه به پنج تن می کند به قدری زیاد است که جای تردید در آن باقی نمی گذارد تا آنجا که در شرح احقاق الحق بیش از هفتاد منبع از منابع معروف اهل سنت گرد آوری شده، و منابع شیعه در این زمینه از هزار هم می گذرد

نویسنده کتاب شواهد التنزیل که از علمای معروف برادران اهل سنت است بیش از ۱۳۰ حدیث در این زمینه نقل کرده است.

از همه اینها گذشته پاره‌ای از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در طول زندگی خود به کارهایی دست زدند که هرگز با مقام معصوم بودن سازگار نیست، مانند اجرای جنگ جمل که قیامی بود بر ضد امام وقت که سبب خونریزی فراوانی گردید و به گفته بعضی از مورخان تعداد کشتگان این جنگ به هفده هزار نفر بالغ می شد.

بدون شک این ماجرا به هیچوجه قابل توجیه نیست و حتی می بینیم که خود عایشه نیز بعد از این حادثه، اظهار ندامت می کند که نمونه‌ای از آن

در بحثهای پیشین گذشت.

عیبجوئی کردن عایشه از خدیجه که از بزرگترین و فداکارترین و بافضیلتترین زنان اسلام است در تاریخ اسلام مشهور است، این سخن به قدری بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ناگوار آمد که از شدت غضب مو بر تنش راست شد و فرمود: به خدا سوگند که هرگز همسری بهتر از اونداشتم، او زمانی ایمان آورد که مردم کافر بودند و زمانی اموالش را در اختیار من گذاشت که مردم همه از من بریده بودند!

۳- آیا اراده الهی در اینجا تکوینی است یا تشریعی؟

در لابلای تفسیر آیه، اشارهای به این موضوع داشتیم که اراده در جمله انمایید الله لیذهب عنکم الرجس، اراده تکوینی است نه تشریعی. برای توضیح بیشتر باید یاد آور شویم که منظور از اراده تشریعی همان اوامرو نواهی الهی است، فی المثل خداوند از ما نماز و روزه و حج و جهادخواسته، این اراده تشریعی است.

معلوم است که اراده تشریعی به افعال ما تعلق می گیرد نه افعال خداوند، درحالی که در آیه فوق، متعلق اراده افعال خدا است، می گوید: خدا اراده کرده است که پلیدی را از شما ببرد، بنابر این چنین اراده ای باید تکوینی باشد، و مربوط به خواست خداوند در عالم تکوین.

افزون بر این، مساله اراده تشریعی نسبت به پاکی و تقوا، انحصار به اهل بیت (علیهم السلام) ندارد چرا که خدا به همه دستور داده است پاک باشند و باتقوا، و این مزیتی برای آنها نخواهد بود، زیرا همه مکلفان مشمول این فرمانند.

به هر حال این موضوع یعنی اراده تشریعی نه تنها با ظاهر آیه سازگار نیست که با احادیث گذشته به هیچوجه تناسبی ندارد، زیرا همه این احادیث سخنی از یک مزیت والا و ارزش مهم ویژه می کند که مخصوص اهل بیت (علیهم السلام) است.

این نیز مسلم است که رجس در اینجا به معنی پلیدی ظاهری نمی باشد، بلکه

اشاره به پلییدیهای باطنی است و اطلاق این کلمه، هر گونه انحصار و محدودیت را در شرک و کفر و اعمال منافی عفت و مانند آن نفی می کند، و همه گناهان و آلودگیهای عقیدتی و اخلاقی و عملی را شامل می شود. نکته دیگری که باید به دقت متوجه آن بود این است که اراده تکوینی که به معنی خلقت و آفرینش است در اینجا به معنی مقتضی است نه علت تامه، تا موجب جبر و سلب اختیار گردد.

توضیح اینکه: مقام عصمت به معنی یک حالت تقوای الهی است که به امداد پروردگار در پیامبران و امامان ایجاد می شود اما با وجود این حالت، چنان نیست که آنها نتوانند گناه کنند بلکه قدرت این کار را دارند، و با اختیار خود از گناه چشم می پوشند.

درست همانند یک طبیب بسیار آگاه که هرگز یک ماده بسیار سمی را که خطرات جدی آن را می داند هرگز نمی خورد با اینکه قدرت بر این کار دارد، اما آگاهیها و مبادی فکری و روحی او سبب می شود که با میل و اراده خود از این کار چشم بپوشد.

این نکته نیز لازم به یادآوری است که این تقوای الهی موهبت ویژه ای است که به پیغمبران داده شد نه به دیگران، ولی باید توجه داشت که خداوند این امتیاز را به خاطر مسئولیت سنگین رهبری به آنها داده بنابر این امتیازی است که بهره آن عاید همگان می شود و این عین عدالت است، درست مانند امتیاز خاصی است که خداوند به پردههای ظریف و بسیار حساس چشم داده که تمام بدن

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۰۵

از آن بهره می گیرد.

از این گذشته به همان نسبت که پیامبران امتیاز دارند و مشمول مواهب الهی هستند مسئولیتشان نیز سنگین است و یک ترک اولای آنها معادل یک گناه بزرگ افراد عادی است، و این مشخص کننده خط عدالت است. نتیجه اینکه: این اراده یک اراده تکوینی است در حد یک مقتضی (نه علت تامه) و در عین حال نه موجب جبر است و نه سلب مزیت و افتخار.

۴ - جاهلیت قرن بیستم!

همانگونه که اشاره شد جمعی از مفسران در تفسیر الجاهلیة الاولى در

آیات مورد بحث گرفتار شک و تردید شدند گوئی نتوانستند باور کنند که بعد از ظهور اسلام نوعی دیگر جاهلیت در جهان پا به عرصه وجود خواهد گذاشت که جاهلیت عرب قبل از اسلام در مقابل آن موضوع کم اهمیتی خواهد بود. ولی امروز این امر برای ما که شاهد مظاهر جاهلیت وحشتناک قرن بیستم هستیم کاملاً حل شده است، و باید آن را به حساب یکی از پیشگوئیهای اعجاز آمیز قرآن مجید گذارد.

اگر عرب در عصر جاهلیت اولی، جنگ و غارتگری داشت، و فی المثل چندین بار بازار عکاظ صحنه خونریزیهای احمقانه گردید که چند تن کشته شدند، در جاهلیت عصر ما جنگهای جهانی رخ می دهد که گاه بیست میلیون نفر در آن قربانی و بیش از آن مجروح و ناقص الخلقه می شوند! اگر در جاهلیت عرب زنان، تبرج به زینت می کردند، و روسریهای خود را کنار می زدند به گونهای که مقداری از سینه و گلو و گردن بند و گوشواره آنها نمایان میگشت، در عصر ما کلپهائی تشکیل می شود بنام کلپ برهنگان (که نمونه آن در انگلستان معروف است) که با نهایت معذرت افراد در آن برهنه

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۳۰۶

مادرزاد می شوند، رسوائیهای پلاژهای کنار دریا و استخرها و حتی معابر عمومی نگفتنی است.

اگر در جاهلیت عرب، زنان آلوده ذوات الاعلام بودند که پرچم بر در خانه خود می زدند تا افراد را به سوی خود دعوت کنند! در جاهلیت قرن ما افرادی هستند که در روزنامه های مخصوص مطالبی را در این زمینه مطرح می کنند که قلم از ذکر آن جدا شرم دارد، و جاهلیت عرب بر آن صد شرف دارد.

خلاصه چه گوئیم از وضع مفاسدی که در تمدن مادی ماشینی منهای ایمان عصر ما وجود دارد که ناگفتنش بهتر است، و نباید این تفسیر را با آن آلوده کرد. آنچه گفتیم فقط مشتی از خروار برای نشان دادن زندگی کسانی بود که از خدا فاصله می گیرند، و با داشتن هزاران دانشگاه و مراکز علمی و دانشمندان معروف، در منجلاب فساد غوطه ور شوند، و حتی گاهی همین مراکز علمی و دانشمندان در اختیار همان فجایع و مفاسد قرار می گیرند.

قبل

فهرست

قال